

نائینی را تقریر کرده و طبق آن، مراد از شهرت فتوایی اشتهار فتوا میان صاحبان فتوا از متقدمان است. شهرت عملی (شهرت استنادی یا شهرت در استناد به محمدتقی حکیم، ص ۲۲۱) مشهور بودن عمل فقها به مفاد یک حدیث و استنادشان به آن در مقام استدلال و افتانت (به کاظمی خراسانی، ج ۴، ص ۷۸۶؛ بروجرودی، ج ۴، قسم ۲، ص ۲۰۵؛ قس مظفر، ج ۲، جزء ۳، ص ۱۶۹، که شهرت عملی را گونه‌ای از شهرت در فتوا شمرده است). شهرت روایی عبارت است از مشهور بودن یک حدیث در میان راویان و محدثان بدین شکل که در منابع و جوامع حدیثی به طرق متعدد و با الفاظ مکرر، یا با الفاظ مختلف دارای مفهوم یکسان، نقل و روایت شده باشد (به شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۹۲؛ رازی اصفهانی، ج ۳، ص ۴۴۰؛ بروجرودی، همانجا). به تعبیر برخی مؤلفان، شهرت روایی شایع بودن نقل یک حدیث از راویان متعدد ولی کمتر از حد تواتر* است (به مظفر، ج ۲، جزء ۳، ص ۱۶۸؛ صدر، ج ۲، ص ۱۳۳). این تعریف ظاهراً برگرفته از تعریف «حدیث مشهور» و «حدیث مستفیض» در علم حدیث است. به نوشته شهید ثانی، مستفیض حدیثی است که راویان آن در همه طبقات بیش از سه تن (و به قولی دیگر، بیش از دو تن) باشد، ولی حدیث مشهور ممکن است فقط در برخی طبقات واجد راویان متعدد باشد. حتی گاهی مراد از مشهور را حدیثی شمرده‌اند که شناخته شده و معروف باشد، هرچند دارای فقط یک اسناد باشد یا اسناد نداشته باشد (به ۱۴۰۸، ص ۷۰-۶۹).

کاربرد این تقسیم‌بندی سه‌گانه شهرت در معنای اصطلاحی آن در فقه و علم الحدیث سابقه‌ای چندان دور ندارد (برای نمونه نخستین اشارات فقها به آن به نجفی، ج ۱۳، ص ۱۸۰)، هرچند فقهای پیشین با تعابیر دیگر به این مفاهیم توجه و اشاره داشته‌اند. البته گاهی تشخیص اینکه مراد آنان کدام یک از این اقسام بوده، چندان آسان نیست و نیازمند دقت و تأمل است؛ مثلاً در کتب فقیهان قرن هفتم به بعد عبارت «عمل اکثر الاصحاب»، «علیها فتوی الاصحاب» و تعابیر مشابه غالباً به معنای شهرت عملی است (به محقق حلّی، ۱۴۱۰، ص ۲۹۹؛ همو، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۱۰۱، ج ۲، ص ۱۱۶؛ فاضل آبی، ج ۱، ص ۱۲۶، ۲۰۲، ۲۴۴، ج ۲، ص ۱۹۲؛ علامه حلّی، ۱۴۱۲-۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵۲۰، ج ۶، ص ۳۵۱، ج ۹، ص ۳۷۹؛ شهید اول، ج ۳، ص ۳۰۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳-۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۱۷۷، ۲۶۲)، ولی گاهی همین تعابیر، حتی در آثار متقدم‌تر، برای شهرت فتوایی به کار رفته است (برای نمونه به ابن‌بَرّاج، ج ۱، ص ۵۰۱). همچنین شکل ترکیبی شهرت روایی و فتوایی با تعابیری چون «المشهور روایة و فتوی» از قرن هشتم در فقه امامی رواج یافت (به شهید اول، ج ۱، ص ۲۴۷، ۲۹۵؛ شهید

محمدبن عیسی ترمذی، سنن الترمذی و هو الجامع الصحیح، ج ۴، چاپ عبدالرحمان محمد عثمان، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ عبدالملک‌بن محمد ثعالی، ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره [۱۹۸۵]؛ محمدبن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۲۰۰۳/۱۴۲۴؛ همو، سیر اعلام النبلاء، چاپ شعیب أرنؤوط و دیگران، بیروت ۱۴۰۹-۱۴۰۱/۱۹۸۸-۱۹۸۱؛ سلیمان‌بن احمد طبرانی، المعجم الاوسط، چاپ محمود طحان، ریاض ۱۴۰۵-۱۴۱۶/۱۹۸۵-۱۹۹۵؛ همو، المعجم الصغیر للطبرانی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ همو، المعجم الکبیر، چاپ حمدی عبدالمجید سلفی، چاپ افتت بیروت ۱۴۰۲-۱۴۰۴؛ محمدبن حسن طوسی، رجال طوسی، چاپ جواد قومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵؛ محمدبن عمرو عقیلی، کتاب الضعفاء الکبیر، چاپ عبدالعطی امین قلجی، بیروت ۱۹۸۴/۱۴۰۴؛ محمدبن سلیمان کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ محمدباقر محمودی، قم ۱۴۱۲؛ یوسف‌بن عبدالرحمان یزوی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۲۰۰۲/۱۴۲۲؛ یحیی بن معین، تاریخ یحیی بن معین، روایة عباس‌بن محمدبن حاتم دوری، چاپ عبدالله احمد حسن، بیروت [بی‌تا].

/ سعید شفیعی /

شهرت، اصطلاحی در فقه و اصول و حدیث، دارای

اقسام سه‌گانه فتوایی، عملی و روایی.

مفهوم‌شناسی. واژه شهرت از ماده «ش ه ر» به معنای چیزی است که برای همگان شناخته شده و آشکار و روشن باشد. به هلال ماه نیز از آن رو که برای همه آشکار است، شهر گفته می‌شود و به همین سبب این واژه بر مجموع روزهای یک ماه نیز اطلاق شده است (به ابن‌فارس؛ ابن‌اثیر؛ ابن‌منظور، ذیل «شهر»). برخی برآن‌اند که این ماده از زبانهای سریانی و عبری به عربی آمده و معنای اصلی و نخستین آن، مدت‌زمان ظهور هلال تا خروج ماه از مُحاق بوده و سپس به‌طور مطلق در معنای آشکار شدن چیزی همراه با رفعت (بالارفتن) کاربرد یافته است (برای نمونه به مصطفوی، ذیل «شهر»). شهرت در اصطلاح فقه و اصول و حدیث اقسامی دارد که معنای لغوی آشکار و شناخته‌بودن، البته با قیود و شروطی، در آنها نهفته است. شهرت بنابر تقسیم‌بندی رایج عالمان اصول متأخر امامی بر سه گونه است: شهرت فتوایی، شهرت عملی و شهرت روایی.

مراد از شهرت فتوایی، مشهور بودن فتوایی در یک مسئله در میان فقهاست، بدون آنکه آن شهرت به حد اجماع* رسیده باشد، خواه مطابق آن فتوا حدیثی در دست نباشد، یا باشد ولی بدان استناد نشده باشد، یا حدیثی مخالف آن فتوا موجود باشد (به انصاری، ج ۱، ص ۲۳۱؛ کاظمی خراسانی، ج ۳، ص ۱۵۳، ج ۴، ص ۷۸۶-۷۸۷؛ قس خوبی، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰، که قول استادش